

مردم ایران در راه سرنگونی رژیم موجود مبارزه میکنند!

شماره صد و بیستم

پانزدهم مهر ۱۳۵۲

ششم



فرخنده باد نیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان

رفقای عزیز!
کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود

مردم

از کمان مرکزی حزب توده ایران

قیامت، دعاوی شاه و تبلیغات رژیم

اخیراً گروه بررسی مسائل ایران در پرتو شاه و ملت، مرکب از ۲۲۸ دانشگامی از بخش خصوصی، ۱۲۰ نفر از بخش دولتی گاههای قضائی، ۱۲ تن نماینده مجلس شورا، نماینده سنا گزارش در باره مشکلات شهر انتشار داده است. این گزارش که در روزنامه اطلاعات و «کیهان» انتشار یافته روزنامه ملت، آذرا، محققانه و مستند، ارزیابی کرده بررسی گروهی است که بنوشته روزنامه کیهان م آنرا هیئت عالی علمی دانشگاهها و مدارس تکمیل میدهند و مورد تأیید و ارزیابی مثبت منتسب بوزیر است. ولی با تمام این احوال بیوزن کرد که دعاوی شاهنشاه و تبلیغات پر تن رژیم را تکذیب میکند.

مداد و کاغذ و کتاب نسبت به همین چند سال پیش دو برابر و سه برابر گرانتر شده است. برای اجاره یک اطاق ۳۰۰ تومان مطالبه میشود. اجاره بهای یک آپارتمان مدرن ۲ تا سه ماهه ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان است. بهای یک نان سنگک ۱۶۰ تا ۷ ریال، گوشت آذر پیدا شود کیلویی ۲۸۰ ریال، شکر کیلویی ۳۲ ریال، قند کیلویی ۲۷ ریال و برنج کیلویی ۷۵ تا ۹۰ ریال است. و بنا بنوشته روزنامه کیهان برای یک دفتر چه ۲۰ برگی ۶ ریال و برای یک دکمه معمولی باید ۳۰ ریال پول پرداخت روشن است که در این گرانی سرسام آور حتی خانوادهای که ۲۰۰۰ تومان درآمد دارد، باز فرصتیه و تنگناست، تا چه رسد به خانواده هائی که با درآمد ماهیانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان باید زندگی کنند و البته به زندگی، بلکه از برکت انقلاب شاهانه بتدریج نابود شوند. و اما در برابر گدازان تنگ و قیازانه ۸۸ درصد خانوارهای تهرانی تنها یک درصد با درآمد سالانه ای بیش از ۵۰۰ هزار ریال (ماهانه بیش از ۴ هزار تومان) زندگی میکنند. شک نیست که در میان این یک درصد، سیمای غارتگر هزار فانیل آگانه پنهان شده است. زیرا آنها سالانه ۵۰۰ هزار ریال، بلکه میلیونها ریال از ثروت کشور و دسترنج مردم زحمتکش را بتراچ میزنند. و درآمد های کلان آنهاست که سطح درآمد متوسط را در تهران به ۱۰۷۵ دلار رسانده است. اگر تهیه چند سیر گوشت برای دهها خانوار در همین تهران ناممکن است. در عوض آنها انگور نوبرانه کیلویی صد تومان میخورند، و بنا بنوشته «دیبا جدید» زندگیشان با زندگی بزرگترین ثروتمندان دنیا برابری میکنند. هیچ چیز برای آنها گران نیست و غذایشان را با هواپیما از خارج می آورند. اینها همان کسانی هستند که در برف و یخبندان زمستان مسیر یزوی و داماد خود را با هلیکوپتر گلیارانت میکنند و از میهمانان خود در کشتی های مجلل و لوکس بر روی اقیانوسها پذیرا میشوند. اینها همه در کشوری میگردند که دیکتاتورش مدعی است امتیازات طبقاتی را از میان برداشته و عدالت اجتماعی را بر روابط جامعه حاکم ساخته است. اما گزارش در رد این مدعا چنین میگوید: «شهر تهران متأسفانه همه

و تمام اعضاء حزب ما بمناسبت بیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان صمیمانه ترین تبریکات خود را به شما، به تمام اعضای حزب سوسیالیست متحد آلمان و تمام زحماتکش جمهوری دموکراتیک آلمان تقدیم میدارد. تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان در اکتبر ۱۹۴۹ نقطه چرخشی در تاریخ اروپا بود. توده های زحمتکش به رهبری طبقه کارگر، حزب مارکسیست - لنینیست آن، بر فراز ویرانه های سیطره فاشیستی، کشوری تریخوخواه و دموکراتیک، بنیاد نهادند که راه ساختمان سوسیالیسم را برگزیده و در این راه به پیشرفتهای شایان رسیده است. طبقه کارگر و پیشاهنگ انقلابی آن در یک پیکار طبقاتی طولانی و دشوار، که در شرایطی بسیار نامساعد انجام گرفت، توفیق یافتند توطئه های سرمایه انحصاری و ارتجاع منبسط بر جمهوری فدرال آلمان را یکی پس از دیگری درهم شکنند و ساختمان جامعه سوسیالیستی را در جمهوری دموکراتیک آلمان ادامه دهند.

تاریخ بیست و پنج ساله جمهوری دموکراتیک آلمان، تاریخ بیست و پنج سال پیکار طبقاتی آشتی ناپذیر علیه بازمانده های فاشیسم، علیه امپریالیسم و ارتجاع، در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم است. زحمتکش جمهوری دموکراتیک آلمان، با اجزای برپایه جامع مصوب کنفرانس هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان، در کلیه عرصه های ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته، پیشانیهای بزرگ ناآل آفده اند. این کشانیها گواه صادقی است بر این واقعیت که چگونه طبقه کارگر، در اتحاد با سایر قشر های زحمتکش، تحت رهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان، پیشاهنگ آزموده مارکسیست - لنینیستی خود، میفرانند امواج سختترین آزمون ها را بیروز مندانده از سر بگذرانند.

غرفه مردم

در جشن اومانیته
(۷ - ۸ سپتامبر ۱۹۷۴)

در همسایگی غرفه های شیلی و اسپانیا، غرفه روزنامه مردم، برپاست. بلندگو اعلام میکند: بیش از ۲۰۰ نفر مبارز سیاسی طی دو سال اخیر تیر باران شده اند. در حدود ۴۰ هزار نفر سیاسی در زندانهای شاه اسیرند. ما از شرکت کنندگان در جشن مطالبیم که علیه خفگان مرگ آور رژیم استبدادی شاه اعتراض کنند و بیاری زندانیان سیاسی ایران بشتابند. زن و مرد و کودک و جوان بسوی غرفه مردم میآمدند و با علاقه فراوان ذیل نامه اعتراضیه را امضاء میکردند. از شش نشریه حزب ما بپزبان فرانسه بپزبان زبانی استقبال شد. و بویژه نشریه های تحت عنوان «دیا وجود ترور خونین» خفگیهای ما می زمزند. و «ایران ژاندارم خلیج فارس» بیش از همه مورد توجه قرار گرفت. اغلب بازدید کنندگان، در باره وضع کنونی ایران، جیگونگی کار سازماندهی برای مبارزه علیه رژیم ترور و سوابق حزب توده ایران سوالاتی میکردند. طرحها و عکسهای غرفه حالت گیرائی داشت که هر بازدید کننده را به اندیشه وامیداشت. قسمتی از دیوار به تصاویر رفقای شهید ما اختصاص داده شده بود. عکس انوشه در حال تیرباران شدن در وسط دنباله در صفحه ۲

شهری رسیده از ایران جائی که «یک» با «یک»

مساوی نیست

معلم یای تخته داد میزد
چهره اش از خشم گلگون بود و
دستانش بزیر پوششی از گرد گچ پنهان
ولی «آخر کلاسی هاء» لوانشک بین هم تقسیم میکردند.
یکی دیگر در این گوشه « جوانان » را ورق میزد
دلم میسوخت
بجالت او
که بیخود های و هو میکرد
با خطی خوانا بزوی تخته
(کز طلسمت چو قلب ظالمات) یا چهره زندانیان
تاریک و نمگین بود
تساوی را نوشت و بانگ زد:
« اینجاست یک، با یک و برابر »
از میان جمع شاگردان یکی بر خاست
(همیشه یکفر باید بیا خیزد)
بآرامی سخن میگفت:
« آخر این تساوی اشتباهی فاحش و محض است.
نگاه بچه ها نا که بیکسو خیره شد با بهت
معلم مات بر جا ماند
شاگرد در فضول و آن لحظه می پرسید:
« لگر این واحد یک، فرد انسان بود
آیا بازم
در این تساوی بود یک با یک برابر؟ »
سکوت مدهشی بود و
سوالی سخت
معلم، خشمگین فریاد زد: « آری
و او
با یوز خندی گفت:
« اگر این واحد یک، فرد انسان بود
آنکو زوز ووز میداشت، والا بود افزون بود
و آنکس را که دامن پاک و دست از زر تهی
جائی به پائین بود، کمتر بود،
اگر این واحد یک، فرد انسان بود
آنکو بویستش روشن و یامویش طلائی بود بالا بود
و آنکس را که رنگین پوست بود البته پائین بود.
اگر یک فرد انسان واحد یک بود
آنکه این تساوی زیر و رو میشد
اگر یک بود با یک ها برابر
ثروت این مفتخواران از کجای خاست؟
یا چه کس این کاخ عالی را بنا میکرد؟
یا چه کس دیوار چین میساخت؟
اگر یک بود با یک ها برابر
کی کسی در زیر یار فقر خم میشد؟
کی کسی با ضرب و چوب تازیانه خورد می گردید؟
چه کس آزادگانی را در قفس میکرد؟
معلم ناله آسا گفت:
« بچه ها جز جزوه بنویسید
که یک با یک برابر نیست! »

رفیق گرامی، پیمای را که بمناسبت رهائی پرتقال از قید استبداد فاشیستی از سال داشته دریافت داشتیم و از صمیم قلب سپاسگزاریم. غم دشواریهای گوناگونی که در بویاری ماست جدید بوجود در پرتقال شرایط مسلطی برای بسط انت بین نیروهای مترقی پرتقال و ایران ایجاد کند. ما مطمئیم کف در این شرایط پیوند های حزب توده ایران و حزب کمونیست پرتقال برپایه

نامه رفیق آوارو کونیال

دبیر کل حزب کمونیست پرتقال
به رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تقویت شده و گسترش خواهد یافت. شرایط فرخنده موجب شد که این نامه با تاخیر فرستاده شود. با معذرت خواهی از آن بجهتین جرد های کمونیستی را بشما ابلاغ میدارم.
هفتم ثوت ۱۹۷۴
از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتقال
آوارو کونیال

رفیق گرامی، پیمای را که بمناسبت رهائی پرتقال از قید استبداد فاشیستی از سال داشته دریافت داشتیم و از صمیم قلب سپاسگزاریم. غم دشواریهای گوناگونی که در بویاری ماست جدید بوجود در پرتقال شرایط مسلطی برای بسط انت بین نیروهای مترقی پرتقال و ایران ایجاد کند. ما مطمئیم کف در این شرایط پیوند های حزب توده ایران و حزب کمونیست پرتقال برپایه

